

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکال مرحوم آخوند خراسانی بر نظریه مرحوم شیخ انصاری

عرض کردیم مرحوم شیخ انصاری **اعلی الله مقامه الشریف** فرمودند در جایی که اسناد يك شیء به شارع صحیح باشد و در مقام عمل بتوانیم استناد به او کنیم، عنوان حجیت محقق است؛ اما جایی که نتوانیم اسناد به شارع دهیم، عنوان حجیت موجود نیست. مرحوم آخوند در کفایه با این نظریه مرحوم شیخ مخالف است و می‌فرماید: بین حجیت و اسناد به شارع عموم و خصوص من وجه است؛ ممکن است در موردی ما بتوانیم اسناد به شارع دهیم، اما عنوان حجیت در کار نباشد؛ و همینطور عکس این معنا، ممکن است در موردی عنوان حجیت باشد اما اسناد الی الشارع صحیح نباشد. نسبت به مورد اول مثالی نزدند، فقط بعنوان اینکه امکان چنین فرضی وجود دارد، می‌فرمایند: ممکن آن یفرض، در موردی دلیلی را به شارع نسبت دهیم اما لزوم تعبد نداشته باشد و شك در تعبد به آن داشته باشیم. و همین مقدار که شك در تعبد پیدا کنیم، کافی است برای اینکه بگوییم حجیت ندارد.

اما برای عکس این مورد - حجت باشد اما اسناد به شارع وجود نداشته باشد - مثال می‌زنند به ظن انسدادی روی مبنای حکومت؛ یعنی **العقل يحكم بحجية الظن مطلقا** عقل حکم می‌کند که ظن مطلقا حجیت دارد. یا روی مبنای کاشفیت، عقل کشف می‌کند که شارع ظن را معتبر قرار داده است؛ بر اساس قول به کاشفیت می‌توانیم بگوییم این ظن حجیت دارد و آن را به شارع نیز اسناد دهیم؛ اما طبق قول به حکومت، دیگر قابل اسناد به شارع نیست. لذا، مرحوم آخوند به مرحوم شیخ انصاری می‌فرمایند: ما کلام شما را به این مورد نقض می‌کنیم؛ موردی را ذکر کردیم که حجیت وجود دارد - **الظن المطلق حجة -**، لکن اسناد به شارع نمی‌توانیم بدهیم؛ روی این که بگوییم نتیجه دلیل انسداد حکومت است. وقتی حکومت شد، يك امر عقلی محض می‌شود و قابلیت اسناد به شارع ندارد. این اشکالی است که مرحوم آخوند دارند.

پاسخ نقض مرحوم آخوند

از این نقض مرحوم آخوند، هم مرحوم امام (رض) در کتاب **معتمد الاصول**، جلد اول، صفحه 435، و هم مرحوم آقای خوئی در کتاب **مصباح الاصول** جواب داده‌اند. جواب این است که در دلیل انسداد، روی قول به حکومت، کسی نمی‌گوید این ظن حجیت دارد؛ بلکه روی قول به حکومت، اولین مقدمه از مقدمات دلیل انسداد این است که ما علم اجمالی به یکسری تکالیف داریم که در واقع این تکالیف برای ما ذکر، و صادر شده است. خود این علم اجمالی اقتضای احتیاط می‌کند؛ شما در هر موردی که علم اجمالی دارید، باید احتیاط کنید، مگر اینکه علم اجمالی شما منحل شود و از بین برود. آن وقت، هم مرحوم امام و هم مرحوم آقای خوئی می‌فرمایند: این که بگوییم نتیجه دلیل انسداد حکومت العقل است، معنایش این نیست که گفته شود این

ظن عقلاً حجیت دارد؛ قابل اسناد به شارع هم نیست؛ بلکه آنچه برای ما دخالت دارد، علم اجمالی است.

حالا که شما می‌دانید در شریعت یکسری احکام و تکالیف در دایره موهومات، مشکوکات و مظنونات داریم؛ موهومات مواردی است که ده درصد احتمال تکلیف داده می‌شود؛ مشکوکات جایی است که پنجاه درصد احتمال هست و مظنونات مواردی است که هفتاد و هشتاد درصد احتمال وجود تکلیف هست. آقایان و بزرگان می‌فرمایند چون علم اجمالی اقتضای احتیاط دارد، و احتیاط در همه اینها ممکن نیست؛ در اینجا عقل مسئله تبعیض در احتیاط را مطرح می‌کند و می‌گوید فقط در دایره مظنونات احتیاط کن و دایره مشکوکات و موهومات را کنار بگذار؛ احتیاط در آنها دیگر لازم نیست. پس، در ظن انسدادی روی قول به حکومت، نمی‌گوییم **الظن حجة** تا شما بگویید چیزی پیدا کردیم که حجت بر آن صدق می‌کند، اما قابل اسناد به شارع نیست. بلکه در اینجا چیزی که حجیت دارد، علم اجمالی است؛ و در حجیت علم مکرر خوانده‌ایم که بین علم تفصیلی و اجمالی فرقی نیست. لذا، این نقض مرحوم آخوند نقض واردی نیست.

نقض مرحوم محقق عراقی به نظریه مرحوم شیخ انصاری

نقض دوم را مرحوم محقق عراقی **اعلی الله مقامه** در **نهاية الافكار** بیان می‌کنند. ایشان می‌فرماید از مواردی که حجیت هست اما اسناد به شارع نیست، مثل این که شخص قبل الفحص احتمال تکلیف بدهد که در اینجا فحوص واجب است تا تکلیف را بدست آورد. در اینجا خود این احتمال، حجیت دارد؛ در حالی که هنوز چیزی وجود ندارد تا به شارع اسناد داده شود. مورد دیگر، خود وجوب احتیاط در شبهات بدویه که آنجا نیز قبل الفحص احتیاط واجب است. این موارد، مواردی است که احتمال تکلیف یا وجوب احتیاط حجیت دارد، اما اسنادش به شارع درست نیست.

پاسخ نقض مرحوم عراقی

جواب این نقض نیز روشن است و آن این که در این موارد، احتمال حجیت ندارد؛ آنچه حجیت دارد، تکلیف واقعی است؛ یعنی اگر انسان فحوص کرد و به تکلیف واقعی رسید، حجیت دارد؛ تکلیف واقعی هم قابل اسناد به شارع است؛ اینطور نیست که تکلیف واقعی حجیت داشته باشد، اما قابل اسناد به شارع نباشد. در وجوب احتیاط نیز همینطور است؛ احتیاط برای رسیدن به تکلیف واقعی است و آن تکلیف واقعی قابلیت اسناد به شارع را دارد. مرحوم آقای خوئی **قدس سره** نیز می‌فرمایند: این نقض‌ها بر کلام مرحوم شیخ وارد نیست و حق با ایشان است؛ یعنی بالمآل نظریه مرحوم شیخ را می‌پذیرد که بگوییم حجیت با اسناد الی الشارع مساوی است.

بیان مرحوم آخوند

مرحوم آخوند بعد از اینکه بیان مرحوم شیخ را مورد اشکال قرار می‌دهد، می‌فرماید: به نظر ما حجیت در جایی است که آثار حجیت بر آن بار شود؛ و آثار حجیت در جایی است که علم به حجیت داشته باشیم و در این صورت، می‌گوییم منجزیت و معذرت دارد. ایشان می‌فرماید: در موردی که شك در حجیت شیئی داریم، آثار مرغوبه از حجیت بر آن بار نمی‌شود؛ چرا که منجزیت و معذرت، در جایی است که حجتی واصل به مکلف باشد؛ یعنی مکلف بداند که این حجت است. اما جایی که انسان نمی‌داند آیا این حجت است یا حجت نیست، آثار حجت را نمی‌تواند بر آن بار کند. به عبارت دیگر، می‌فرماید: آثار حجت به وجود واقعی‌اش بر آن بار نمی‌شود، بلکه بوجوه الواصل این آثار بر آن بار می‌شود. مرحوم آخوند حجت را به معنای ترتب

الآثار که منجزیت و معذريت است، می‌داند و اثر حجت را اسناد الی الشارع و عدم اسناد الی الشارع نمی‌داند، بر خلاف نظر مرحوم شیخ انصاری.

نظر مرحوم آقای خوئی

مرحوم آقای خوئی نیز هم اشکال آخوند به شیخ را رد می‌کند و هم اینکه می‌فرماید: موردی داریم که منجزیت هست اما حجت نیست. ایشان نظیر مرحوم عراقی می‌فرماید: احتمال تکلیف قبل الفحص منجز است و لیکن حجیتی نیست. مرحوم عراقی به مرحوم شیخ اشکال می‌کرد که در این مورد حجت هست اما اسناد الی الشارع نیست، لیکن ایشان از این مثال استفاده می‌کنند و می‌گویند در اینجا منجزیت هست اما حجت نیست. لذا، مرحوم آقای خوئی با این مطلب که در کلمات مرحوم آخوند فراوان آمده است - حجت یعنی منجزیت و معذريت و از آثار حجت، منجزیت و معذريت است - مخالفت می‌کنند و این مورد را می‌گویند حجت ندارد و بنابراین، می‌فرماید: به نظر ما حق با مرحوم شیخ است که ما برای حجت، منجزیت و معذريت را مطرح نکنیم و بگوییم حجت یعنی اسناد الی الشارع، منتها این اسناد الی الشارع در جایی است که حجت روشن و واصل به مکلف باشد؛ و به تعبیر خود ایشان، مکلف بوجودها الذهنی آن را فهمیده باشد.

نظر مرحوم امام خمینی

امام (رض) در ابتدا می‌فرماید کلام مرحوم شیخ کلام خوبی است و نقض‌هایی که مرحوم آخوند و مرحوم عراقی بر ایشان وارد کردند، بجا نیست؛ لیکن در نهایت امر می‌فرماید: کلام مرحوم شیخ مجرد ادعا است؛ یعنی مرحوم شیخ بر این مدعا دلیل نیاورده است. مرحوم شیخ فرموده است: بین حجت و اسناد الی الشارع ملازمه است و بنابراین، باید بر این ملازمه دلیل بیاورد، و حال آن که هیچ دلیلی اقامه نکرده است. اشکال مرحوم آخوند و مرحوم عراقی وارد نیست، اما دلیلی بر این مدعا و ملازمه اقامه نکرده است. مرحوم امام می‌فرماید: اولی همین فرمایش مرحوم آخوند است که ما بیاییم در مسئله حجت، منجزیت و معذريت را مطرح کنیم.

نظر استاد محترم

رأی مرحوم امام و رأی مرحوم آقای خوئی بیان شد، اما کدام يك از اینها را باید اختیار کرد؟ در مورد اشکال مرحوم آقای خوئی به آخوند که گفتند احتمال يك تکلیفی قبل الفحص منجزیت دارد اما حجت ندارد، به نظر ما، این مطلب صحیح نمی‌باشد؛ منجزیتی که در اینجا می‌گویند، تقریباً چیزی شبیه لزوم الاحتیاط است؛ یعنی عقل به عنوان این که ممکن است در واقع تکلیفی باشد و آن تکلیف برای مکلف منجز باشد، انسان را برای فحص تحریک می‌کند و الا اگر اصلاً مکلف فحص نکند و بعد در روز قیامت هم معلوم شود که تکلیفی وجود نداشته است، در اینجا مخالفتی صورت نگرفته که استحقاق عقاب داشته باشد. اگر تکلیفی داشت، خود آن تکلیف منجز است و نه احتمال آن. بنابراین، اشکال مرحوم آقای خوئی به مرحوم آخوند اشکال واردی نیست. اما در مورد اشکالی که امام (رض) بر مرحوم شیخ دارند، باید ببینیم که آیا ما برای اثبات این ملازمه اصلاً دلیل لازم داریم یا اینکه این ملازمه يك ملازمه قهری است؟ می‌گوییم وقتی شما می‌گویید يك چیزی حجت شرعی است، معنای حجت شرعی این است که بتوانیم آن را به شارع اسناد دهیم؛ بنابراین، این ملازمه يك ملازمه واقعی یا ملازمه قهری است که نیاز به دلیل و برهان ندارد. لذا، این اشکال هم بر مرحوم شیخ وارد نیست.

ما در اینجا می‌خواهیم نتیجه بگیریم که هر دوی اینها از آثار دائمیه حجیت شرعی است؛ یعنی جمع بین اینها باید باشد. حجیت شرعی هم چیزی است که بتوان آن را به شارع اسناد داد و هم منجزیت و معذرت دارد؛ و این که بیاییم بین اینها تفکیک کنیم، وجهی برای تفکیک وجود ندارد. ما نمی‌توانیم بگوییم یا اسناد یا منجزیت و معذرت، اینها مانعة الجمع نیستند و بلکه قابل اجتماع هستند. با توجه به این مطلب، در هر موردی که شك کنیم آیا می‌توان مطلبي را به شارع اسناد داد یا نه؟ یا شك کنیم در اینکه آیا منجزیت یا معذرت دارد؟ در اینجا حجیت نیست؛ حجیت، در جایی است که برای شخص قابلیت اسناد به شارع محرز شود و یا بدانند که این مطلب منجزیت یا معذرت دارد؛ اما اگر اینها نبود یا در وجودشان شك کردیم، اصل، عدم الحجية است. بنابراین، تا اینجا يك بيان برای اصالة العدم الحجية ذکر کردیم و آن، از طریق شك در ترتب آثار است؛ می‌گوییم هر جا شك کردیم که آثار حجیت بار می‌شود یا نه؟

اصل عدم حجیت است. آن وقت این جمله معروفی که در اصول الفقه خواندید که شك در حجیت، مساوی با قطع به عدم حجیت است؛ به حسب ظاهر، تهافت دارد. می‌گوییم جایی که شك داریم، قطع نداریم، حال چگونه می‌گویید شك در حجیت، مساوی با قطع به عدم حجیت است؟ از کلام مرحوم آخوند چنین چیزی استفاده می‌شود که هر جا شك در حجیت داریم، مساوی است با قطع به عدم حجیت. حالا در مورد این جمله، يك وقت است که می‌گوییم حجیت اول، حجیت انشایی است و حجیت دوم، حجیت فعلی است؛ یعنی اگر شك کردیم شارع برای يك چیزی حجیت را انشاء کرده یا نه؟ می‌گوییم قطع پیدا کردیم که بالفعل حجیت ندارد. دوم این که، خود همین عبارت مرحوم آخوند، می‌گوییم وقتی شك داریم يك چیزی حجیت دارد یا نه؟ قطع داریم که آثار حجیت بر آن بار نمی‌شود؛ قطع داریم به نفی آثار حجیت. حالا در این مورد، مرحوم محقق نائینی تعبیری دارند که حجیت هم مثل سایر احکام است؛ در سایر احکام، علم در آنها دخالت ندارد، چرا در حجیت می‌گوئید علم دخالت دارد؟ که آقایان این را ملاحظه کنند، انشاءالله بعد از تعطیلات دهه اول محرم بیان خواهیم کرد. انشاءالله روز شنبه 17 محرم درس را شروع خواهیم کرد.